



## «الْيَوْمَ اكْمَلْتُمْ لَكُمْ دِينَكُمْ» چگونه بر غدیر دلالت دارد؟

واژه «الْيَوْمَ» در آیه سوم سوره مائده باید ناظر به امر مهمی باشد که ناامیدی کفار و اکمال دین را به دنبال داشته است و آن چیزی نیست جز ولایت که ضامن استمرار دین، حتی بعد از رحلت پیامبر (ص) است.

از حوادث سال دهم هجرت، جریان آخرین حج پیامبر (ص) و حدیث غدیر در غدیر خم می‌باشد. پیامبر (ص) در یازدهمین ماه اسلامی (ذیقعه) دستور داد که در شهر مدینه و میان قبایل اعلان کنند که پیامبر (ص) امسال، عازم زیارت خانه خدا است. این اعلان شوق فراوانی را در دل گروه عظیمی از مسلمانان برانگیخت و به دنبال آن هزاران نفر در اطراف مدینه، خیمه زدند و همگی در انتظار حرکت پیامبر بودند. پیامبر در بیست و ششم ذی القعدة، در حالی که بیش از شصت قربانی به همراه داشت، به سوی مکه حرکت نمود. وقتی به ذی الحلیفه (نقطه ای که مسجد شجره آن جا قرار دارد) رسید، با پوشیدن دو پارچه سفید او مسجد شجره احرام بست و دعای معروف احرام را که «لَبَّيْكَ» و پاسخ به ندای ابراهیم است، قرائت نمود.

روز چهارم ماه ذی الحجه وارد مکه شد و یکسره راه مسجد را پیش گرفت و وارد مسجد الحرام شد، در حالی که خدا را حمد و ثنا می‌گفت و به ابراهیم درود می‌فرستاد. خلاصه، اعمال عمره حج را انجام داد. اعمال عمره به پایان رسید. پیامبر (ص) راضی نبود در فاصله عمر و اعمال حج در خانه کسی به سر برد. از این رو دستور داد خیمه او را بیرون مکه بزنند. روز هشتم ذیحجه فرا رسید. زائران خانه خدا همان روز از مکه به سوی عرفات حرکت می‌کنند. پیامبر (ص) نیز عازم عرفات شد و تا طلوع آفتاب روز نهم در "منی" ماند. سپس بر شتر خود سوار شد و راه "عرفات" را پیش گرفت و در نقطه ای به نام "نمره" که خیمه حضرت را آن جا زده بودند، فرود آمد. در آن اجتماع باشکوه، در حالی که روی شتر قرار گرفته بود، سخنان تاریخی خود را ایراد فرمود.

پیامبر (ص) تا غروب روز نهم در عرفه توقف نمود. وقتی هموا کمی تارک شد، بر شتر خود سوار شد و قسمتی از شب را در "مزدلفه" و فاصله طلوع فجر و آفتاب را در مشعر به سر برد. روز دهم رهسپار "منی" گردید و مراسم "رمی جمره" و "تقصیر" را انجام داد، برای انجام مراسم دیگر حج عازم مکه گردید و بدین وسیله مناسک حج را به مردم آموخت. این سفر تاریخی را "حج وداع" و گاهی "حج بلاغ" و "حج اسلام" می‌نامند.

### سرگذشت غدیر:

مراسم حج به پایان رسید. پیامبر (ص) تصمیم گرفت مکه را به عزم مدینه ترک گوید. فرمان حرکت صادر گردید. هنگامی که کاروان به سرزمین رابع (سر راه مکه به مدینه) که در سه میلی "جحفه" قرار دارد رسید، امین وحی در نقطه ای به نام "غدیر خم" فرود آمد و او را با آیه زیر مورد خطاب قرار داد: "يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ؛ (۱) آن چه از طرف خدا فرستاده شده، به مردم ابلاغ کن و اگر ابلاغ نکنی، رسالت خود را تکمیل نکرده ای. خداوند تو را از شر مردم حفظ می‌کند."

لحن آیه حاکی است خداوند انجام امر خطیری را به عهده پیامبر (ص) گذارده است. چه امر خطیری بالاتر از این که در برابر دیدگان صدهزار نفر، علی (ع) را به مقام خلافت و جانشینی نصب کند؟ از این نظر، دستور توقف صادر شد. کسانی که جلو کاروان بودند، از حرکت باز ایستادند و آن‌ها که دنبال کاروان بودند، به دیگران پیوستند. وقت ظهر هوا به شدت گرم بود. مردم قسمتی از ردای خود را بر سر و قسمتی را زیر پا می‌افکندند. برای پیامبر سابیانی به وسیله چادری که روی درخت افکنده بودند، درست کردند و پیامبر نماز ظهر را با جماعت خواند.

سپس در حالی که جمعیت گرد او حلقه زده بودند، بر روی نقطه بلندی که از جهاز شتر ترتیب داده بودند، قرار گرفت و با صدای بلند و رسا خطبه ای را در غدیر خم خواند که معروف است: "هان ای مردم! نزدیک است من دعوت حق را لبیک بگویم و از میان شما بروم... هان ای مردم! بر قرآن و عترت من پیشی نگیرید و در عمل به هر دو، کوتاهی نورزید که هلاک می‌شوید." (۲) در این لحظه دست حضرت علی را گرفت و آن قدر بلند کرد که سفیدی زیر بغل هر دو، برای مردم نمایان گشت و او را به همه مردم معرفی نموده سپس فرمود: "سزاوار بر مؤمنان از خود آنها کیست؟"

همگی گفتند: خدا و پیامبر او داناترند. پیامبر (ص) فرمود: "خدا مولای من، و من مولای مؤمنان هستم و من بر آن ها از خودشان اولی و سزاوارترم. هان ای مردم! هر کس را من مولایم، علی مولای او است. خداوندا! کسانی که علی را دوست دارند، آنان را دوست بدار، و کسانی که او را دشمن بدارند، دشمن بدار. خدایا! یاران علی را یاری کن و دشمنان علی را خوار و ذلیل نما؛ و او را محور حق قرار بده".

واقعۀ غدیر ابدی و جاودانی است، زیرا اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته است که واقعۀ تاریخی غدیر، در تمام قرون و اعصار به صورت تاریخ زنده که قلوب و له ها به سوی آن جذب می شوند، بماند. از این جهت، کمتر واقعۀ تاریخی در جهان، به سان رویداد "غدیر" مورد توجه طبقات مختلف، از محدث و مفسر و متکلم و فیلسوف و خطیب و شاعر، مورخ و سیره نویس قرار گرفته و این اندازه درباره آن عنایت مبذول شده است. در اهمیت این رویداد تاریخی، همین اندازه بس، که این واقعۀ تاریخی را ۱۱۰ صحابی نقل کرده اند که در کتاب های دانشمندان اهل تسنن نام آنان به چشم می خورد. (۳)

پی نوشتها:

۱. مائده (۵) آیه ۶۷.

۲. آیت الله جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۷۴.

۳. آیت الله جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۷۹ - ۴۵۶.

پرسش: آیه "الیوم اکملت لکم دینکم" چطور دلالت بر واقعۀ غدیر دارد؟

۱- اعلان ولایت امیرالمؤمنین (ع) بارها در جمع های محدود و به صورت غیر رسمی بیان شده بود، اما اعلام رسمی و گسترده آن در روز غدیر بوده که به همین دلیل روز اکمال دین نام گرفته است.

۲- در زمان حیات پیامبر (ص)، به دلیل آن که ولایت فعلی با ایشان بود، تأخیر اعلام ولایت امیرالمؤمنین (ع) در آن مقطع، نقص دین به شمار نمی آمد، تا اشکال شود که چرا موضوعی با این اهمیت در سال آخر عمر پیامبر (ص)، اعلان رسمی شده است.

۳- با توجه به این که واژه "الیوم" در آیه سوم سوره مائده، یک بار برای ناامید شدن کافران و بار دیگر جهت اکمال دین، مورد استفاده قرار گرفته و به دلیل آن که دور از ذهن است که نا امید شدن کافران، جهت موضوعی؛ چون اعلام حرمت برخی گوشت ها و غذاها باشد، باید این واژه در هر دو مورد استفاده شده در آیه، ناظر به امر مهم تری باشد که ناامیدی کفار و اکمال دین را به دنبال داشته است و آن چیزی نیست جز ولایت که ضامن استمرار دین، حتی بعد از رحلت پیامبر (ص) است.

۴- فرائض موجود در آیه، حتی اگر تازه و جدید هم باشند، به اعتقاد شیعیان در مورد نزول بخشی از آیه در ارتباط با ولایت آسیبی وارد نخواهد کرد.

در پاسخ به این پرسش، ابتدا باید بدانیم که شیعیان، بر اساس روایات موجود از اهل بیت پیامبر (ص)، اتفاق نظر دارند که آیه "الیوم اکملت لکم دینکم"، مرتبط با واقعۀ اعلان رسمی ولایت امیرالمؤمنین (ع) است ۱ و روایاتی که ناظر به چنین عقیده ای است، در برخی منابع اهل سنت به نقل از روایان مشهوری؛ چون ابو سعید خدری و ابو هریره نیز مشاهده می شود. ۲

البته، در غالب منابع اهل سنت، تلاش شده تا سلسله سند روایان چنین تفسیری، ضعیف شمرده شوند، و باید گفت که چاره ای جز این نداشتند؛ چون قبول این روایات، به معنای پذیرش عقاید شیعه بود که در زمان اختناق آن روزها، گاهی برابر شرک و کفر به شمار می آمد!

در مقابل، تفاسیر دیگری برای این آیه از اهل سنت نقل شده که از انسجام کافی برخوردار نبوده و به عبارتی، یک تفسیر قطعی

مورد پذیرش در تمام آنان وجود ندارد:

۱. برخی از آنان، روز کامل شدن دین را به تمامیت مناسک حج و اخراج مشرکان از خانه خدا تفسیر کرده اند. ۳

۲. گروهی نیز آن را روز نامعلومی دانستند که تنها خداوند از آن با خبر است! ۴

۳. بسیاری از اهل سنت، آن را مرتبط با روز عرفه در حجة الوداع می دانند.

در صحیح بخاری، به نقل از خلیفه دوم روایت شده است: سوگند به خدا من می دانم که این آیه چرا و چه زمانی نازل شده است و پیامبر (ص) در آن زمان کجا بوده است، سپس ایشان بدون آن که به دلیل نزول این آیه اشاره ای داشته باشند! تنها اعلام می کنند که زمان نزول آن، روز عرفه بوده و من نیز در آن جا حضور داشتم. ۵

در ارتباط با این تفسیر اهل سنت که به نظر می رسد به دلیل وجود منبع روایی آن در صحیح بخاری، از اعتبار بیشتری برخوردار باشد، دو فرضیه موجود است:

۱-۳. این تفسیر تنها به زمان نزول آیه اشاره داشته و در مورد شأن نزول آن ساکت باشد، چنانچه در روایت اشاره شده از خلیفه دوم نیز چنین جنبه ای مد نظر بوده است. این تفسیر، در تضاد با عقاید شیعیان نیست؛ چون ممکن است این آیه در ابتدای زمانی نازل شده باشد که پیامبر در صدد تدارک اعلام ولایت امیرالمؤمنین (ع) بوده و می دانیم که بین روز عرفه و روز غدیر، کمتر از ده روز فاصله زمانی وجود دارد و این مقدار فاصله نیز جهت آماده سازی برای اعلان چنین امر مهمی، طبیعی به نظر می رسد.

روایاتی در منابع شیعی وجود دارند که (مانند روایات اهل سنت)، نزول این آیه را در روز عرفه، اما شأن نزول آن را مسئله ولایت می دانند. ۶

۲-۳. اما جهت گیری دیگری در این تفسیر وجود دارد که علاوه بر آن که می خواهد زمان نزول آن را روز عرفه اعلام کند، در صدد تغییر شأن نزول آن نیز بوده و به عبارتی، اکمال دین را تنها به حلال و حرام منحصر می کند:

از سدی نقل شده است که این آیه در روز عرفه نازل شده و بعد از آن دیگر حرام و حلالی نازل نشده و پیامبر (ص) بعد از برگشت به مدینه، رحلت فرمود. ۷

و یا: تا زمانی که پیامبر (ص) در مکه بود، هیچ واجبی جز نماز وجود نداشت و بعد از ورود به مدینه، فرایض به تدریج نازل شد تا زمان حجة الوداع که با آن دین کامل شد و این آیه نازل گشت. ۸

به عقیده ما، به چند دلیل نمی توان چنین تفسیرهایی را پذیرفت، زیرا:

یک. پیامبر(ص) قبل از حجة الوداع نیز مناسک حج را به جا آورده بود و انجام حج تازگی نداشت.

دو. انجام حج و یا احکام شرعی اشاره شده در آیه، در حدی نبودند که تکمیل دین جز با آنها صورت نپذیرد.

سه. نمی توان تصور کرد برخی احکامی که حتی اگر خودشان تازگی داشتند، موارد مشابه فراوان دیگری قبل از آن موجود بود، از خصوصیتی برخوردار شوند که کافران با مشاهده آنها به ناگاه از انجام هر فعلیتی بر علیه دین ناامید شوند.

چهار. از همه مهم تر، به تصریح دانشمندان اهل سنت، موارد موجود در آیه سوم سوره مائده، آخرین احکامی نبود که بر پیامبر (ص) نازل شده باشد، بلکه بعد از آن احکام دیگری نیز نازل شد. بر این اساس، نظریه ای که نزول تمام احکام و فرایض را موجب اکمال دین می داند، زیر سؤال خواهد رفت.

اکنون، از شما درخواست داریم که بعد از مطالعه دقیق آیات پایانی سوره بقره (۲۷۵-۲۸۲)، به مطالب ذیل توجه فرمایید:

ابن عباس در ارتباط با بخشی از این آیات (۲۷۸-۲۸۱) روایت می کند که اینها، آخرین آیاتی از قرآن بود که بر پیامبر (ص) نازل شد. ۹

البته نباید تصور شود که مراد این روایت، تنها آیه انتهایی " وَ اتَّقُوا يَوْمًا ... " می باشد که در آن حکمی نازل نشده است؛ زیرا در روایت دیگری از خود ایشان مشاهده می کنیم که اظهار داشته اند: آخرین آیه نازل شده بر پیامبر (ص)، آیه ربا (یعنی مجموعه این آیات و نه تنها آیه نهایی) بوده است. ۱۰

اکنون دو پرسش را مطرح کرده و می خواهیم که به آنها پاسخ دهید، سپس به پاسخ پرسش های شما خواهیم پرداخت:

۱- آیات پایانی سوره بقره، که بر اساس صحاح اهل سنت، آخرین آیات نازل شده بر پیامبر (ص) است، متضمن احکامی می باشد، آیا مفسران اهل سنت، هنگام تفسیر آیه اکمال دین (مائده، ۳)، ابراز نکردند که با نزول آن، دیگر حکمی باقی نمانده و دین کامل شده است؟! ۱۱

۲- حتی اگر بر خلاف روایات موجود، بگویید که تنها آیه ۲۸۱، آخرین آیه نازل شده بر پیامبر (ص) است و در آن حکمی وجود ندارد، پرسش ما این است که چرا این آیه، در بین آیات ربا (۲۷۵-۲۸۰) و آیه قرض و دین (۲۸۲) که زمان نزول هر دوی آنها قبل از این آیه بوده، آورده شده است و از طرفی، آیه ۲۷۷ که در ارتباط با نماز و زکات است، چه ربطی به آیات قبل و بعد آن که هر دو در مورد رباخواری است دارد؟! (دقیقا مانند پرسشی که شما در ارتباط با آیه اکمال دین بیان کردید).

همان طور که مشاهده فرمودید، واقعیت آن است که مفسران اهل سنت، نتوانسته اند تفسیر قابل دفاعی را از این آیه ارائه دهند و به همین دلیل است که در نهایت، یکی از مفسران آنان، نتیجه گیری شخصی خود را از میان نظرات متفاوت و متشتت، چنین بیان می دارد که اکمال دین به دلیل کامل شدن فرائض و احکام، موضوعی مورد اختلاف و تردید است که آیا در آن روز خاص کامل شده یا خیر؟ ۱۲

مشاهده می فرمایید که این مفسر بزرگ اهل سنت، بدون آن که صریحا نظر شیعه را در ارتباط با نزول این بخش از آیه در مورد ولایت تأیید کند، اما به دلیل وجود نشانه هایی غیر قابل انکار، ارتباط اکمال دین با اغذیه حلال و حرامی که قبل و بعد از آن، بیان شده را انکار می کند. موضوعی که شما در صدد اثبات آن هستید!

اما تنها ایرادی که به تفسیر شیعیان شده، آن است که این بخش از آیه، ارتباط چندانی با بخش های دیگر ندارد. همان گونه که ملاحظه فرمودید، چنین اشکالی در تفاسیر اهل سنت در مورد غیر این آیه، از جمله آیات پایانی سوره بقره نیز وجود دارد، اما باید دانست که قرآن کریم، ترکیب و ترتیبی غیر از سخن معمول انسان ها دارد و همین موضوع نیز نوعی اعجاز و باعث تازه ماندن آن بعد از گذشت قرن ها شده است. علاوه بر آن، یکی از اندیشمندان شیعی معاصر، دلیل گنجاندن این بخش را در میان آیات به ظاهر نامرتبط، به خوبی تبیین می کند:

"ممکن است قرار دادن آیه مربوط به غدیر در لابلای احکام مربوط به غذاهای حلال و حرام برای محافظت از تحریف و حذف و تغییر بوده باشد؛ زیرا بسیار می شود که برای محفوظ ماندن یک شیء نفیس آن را با مطالب ساده ای می آمیزند تا کمتر جلب توجه کند (دقت کنید).

حوادثی که در آخرین ساعات عمر پیامبر (ص) واقع شد، و مخالفت صریحی که از طرف بعضی افراد برای نوشتن وصیتنامه از طرف پیامبر (ص) به عمل آمد تا آن جا که حتی پیامبر (ص) را (العیاذ باللہ) متهم به هذیان و بیماری! و گفتن سخنان ناموزون کردند، و شرح آن در کتب معروف اسلامی اعم از کتب اهل تسنن و شیعه نقل شده، شاهد گویایی است بر این که بعضی از افراد حساسیت خاصی در مسئله خلافت و جانشینی پیامبر (ص) داشتند و برای انکار آن حد و مرزی قائل نبودند!

آیا چنین شرایطی ایجاب نمی کرد که برای حفظ اسناد مربوط به خلافت و رساندن آن به دست آیندگان چنین پیش بینی هایی بشود و با مطالب ساده ای آمیخته گردد که کمتر جلب توجه مخالفان سر سخت را کند؟! ۱۳

اکنون، مختصرا پاسخ استدلال های چهارگانه شما را خدمتان عرضه می داریم:

۱- گرچه بر اساس منابع اهل سنت و مصادر شیعی، ولایت امیرالمؤمنین (ع)، بارها و در مناسبت های مختلف اعلام شده است، اما در تمام این موارد، تعداد اندکی از افراد حضور داشتند و اعلان عمومی و رسمی آن تنها در روز غدیر بوده و همین موضوع، تفاوت آن با دیگر مسائل حرام و حلالی که در پرسش بدان اشاره کردید را مشخص می کند.

۲\_ ولایت، در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) بر عهده ایشان بود (انما ولیکم الله و رسوله ... ) و بر این اساس، دین اسلام از این

بابت نقصی نداشت، اما آنچه مهم بود، ادامه راه ولایت بعد از رحلت ایشان بود که با انتصاب امام علی (ع)، ادامه راه دین در آینده نیز تضمین شده و به همین دلیل اعلام شد که دین کامل گشت.

به عبارتی، چون زمان به فعلیت رسیدن ولایت امیر المؤمنین (ع) که کمال دین در آن نهفته است، بعد از فقدان پیامبر (ص) بوده، تأخیر اعلام آن، نشانگر نقص دین تا آن زمان نیست، بلکه مراد ما از تکمیل دین با ولایت، آن است که اگر چنین اعلانی انجام نمی شد، دین در آینده خود دچار نقص و کاستی می گشت.

۳- نیازی نبود که شما واژه "الیوم" را در دو آیه بعد ملاحظه نموده و آن را به عنوان دلیلی بر اتحاد آن با "الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ ... " بیان کنید؛ زیرا در خود همان آیه سوم، این واژه دو بار تکرار شده است: "الْیَوْمَ یَبْسُ الذِّینَ کَفَرُوا مِنْ دِینِکُمْ" امروز کافران از نابودی دینتان مأیوس شدند و "الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ ... " امروز دین کامل شد.

منصفانه و با مراجعه به وجدانتان پاسخ دهید، آیا ناامیدی کفار از نابودی دین، دقیقاً در همان روزی بوده که غذاهایی حرام و حلال اعلام شده اند؟!

آیا این احکام، تا این اندازه برای افراد بی ایمان اهمیت داشت که دقیقاً در همان روز دچار یأس و سرخوردگی شوند؟!

مفسر بزرگ اهل سنت، فخر رازی، متوجه این نکته شده و برای خروج از بن بست، چنین اظهار داشته است:

مراد آیه، این نیست که مشخصاً همین روز، موجب ناامیدی کفار شده، تا گفته شود که مگر امکان دارد که آنان تا یکی دو روز قبل امیدوار بودند(و دفعتا و با حلال و حرام شدن برخی غذاها نا امید شوند)! ۱۴

از طرفی، بر اساس برخی تفاسیر اهل سنت نیز همین اشکال شما وارد است. ضحاک، به عنوان یکی از قدیمی ترین مفسران سنی مذهب، معتقد است که بخشی از همین آیه که بیان می دارد "الْیَوْمَ یَبْسُ الذِّینَ کَفَرُوا مِنْ دِینِکُمْ"، هنگام فتح مکه نازل شده است، ۱۵ با آن که به اتفاق مفسران شیعه و اهل سنت، "الیوم" در بخش دیگر آیه، یعنی "الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَکُمْ دِینِکُمْ"، به معنای روز فتح مکه نیست.

می دانیم که بر اساس تفسیر شیعیان، می توان، واژه "الیوم" را در هر دو مورد موجود در آیه، به همان معنای واقعی خود، یعنی "امروز" که روز غدیر است، ترجمه کرد.

۴- پاسخ بخش قبلی و نیز تصریح اهل سنت در معتبرترین کتاب هایشان به این که آیه ربا، آخرین آیه نازل بر پیامبر (ص) می باشد، می تواند پاسخ گوی این بخش نیز باشد. در ضمن، تازه بودن احکام موجود در آیه نیز لطمه ای به اعتقاد شیعیان وارد نخواهد کرد.

پی نوشتها:

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۱۹۹-۱۹۸، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۴ هـ ش.
۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۵۹، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ هـ ق.
۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۵۲، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۱۲ هـ ق.
۴. همان، ص ۵۴.
۵. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۸۶، دار الفکر، بیروت.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۲۹۱، "ثم نزلت الولاية وإنما أتاه ذلك في يوم الجمعة بعرفة".
۷. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۲۳، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹ هـ ق.
۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۶۱، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ هـ ش.

۹. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲.

۱۰. همان، ج ۵، ص ۱۶۵.

۱۱. در این بخش از پاسخ، تضادهای موجود در کتب اهل سنت در ارتباط با این آیه بیان شده، وگرنه شیعیان نیز معتقدند که بعد از اعلام ولایت، فریضه دیگری نازل نشده است. ر. ک: کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴.

۱۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۵۲.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۷۱-۲۷۰، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ هـ ش.

۱۴. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۲۸۶، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ هـ ق " أنه ليس المراد هو ذلك اليوم بعينه حتي يقال إنهم ما يؤسوا قبله بيوم أو يومين "

۱۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۶۰.

پرسش: دلایل تبریک مردم در مراسم غدیر چیست؟

پاسخ:

حادثه غدیر یکی از رخ دادهای بزرگ تاریخ اسلام است که در اواخر رسالت پیامبر اسلام (ص) در بازگشت از حجة الوداع در منطقه ای به نام غدیر و در حضور بزرگان، صحابه و ده ها هزار نفر از مسلمانان از نقاط مختلف جهان اتفاق افتاد. این واقعه تاریخی آن قدر مهم است که در اصل آن هیچ تردیدی میان شیعه و اهل سنت وجود ندارد. در آن روز تاریخی و بزرگ با اعلام ولایت امام علی (ع) بر مسلمانان، دین اسلام کامل و نعمت الهی بر مردم به نهایت رسید. بدیهی است که چنین رخ دادی در چنین روزی، نقطه عطف در تاریخ اسلام به حساب می آید؛ از این رو، این روز (هیجدهم ذی الحجه) یکی از اعیاد بزرگ اسلامی در تاریخ اسلام، به ویژه تشیع به ثبت رسیده است. بنابر این، از آن تاریخ تا به امروز، شیعیان به ویژه این روز را گرامی می دارند و آداب آن را به جای می آورند و به همدیگر تبریک می گویند.

پاسخ تفصیلی:

حادثه غدیر یکی از رخ دادهای بزرگ تاریخ اسلام است که در اواخر رسالت پیامبر اسلام (ص) در بازگشت از حجة الوداع در منطقه ای به نام غدیر و در حضور بزرگان، صحابه و ده ها هزار نفر از مسلمانان از نقاط مختلف جهان اتفاق افتاد. این واقعه تاریخی آن قدر مهم است که در اصل آن هیچ تردیدی میان شیعه و اهل سنت وجود ندارد. در آن روز تاریخی و بزرگ با اعلام ولایت امام علی (ع) بر مسلمانان، دین اسلام کامل و نعمت الهی بر مردم به نهایت رسید؛ چراکه روز تعیین جانشینی امیرمؤمنان (ع) به عنوان خلیفه رسول الله (ص)، از طرف خداوند بود. بدیهی است که چنین رخ دادی در چنین روزی نقطه عطف در تاریخ به حساب می آید؛ از این رو، این روز (هیجدهم ذی الحجه) یکی از اعیاد بزرگ اسلامی در تاریخ اسلام، به ویژه تشیع به ثبت رسیده است.

واژه "عید" از فعل عاد، یعود (عود) اشتقاق یافته است. معانی مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند، از جمله: "خوی گرفته"، "هر چه باز آید از اندوه و بیماری و غم و اندیشه و..."، "روز فراهم آمدن قوم"، "هر روز که در آن... حادثه بزرگی باشد. [۱] ابن منظور در لسان العرب گفته است که برخی بر آن هستند که اصل واژه عید از «عاده» است؛ زیرا آنان (قوم)، بر جمع آمدن در آن روز، عادت کرده‌اند. [۲]

واژه عید تنها یک بار در قرآن به کار رفته است: "قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوْلِيَانَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛" عیسی بن مریم عرض کرد: "خداوند! پروردگارا! از آسمان مائده‌ای بر ما بفرست! تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد، و نشانه‌ای از تو و به ما روزی ده! تو بهترین روزی دهندگانی. [۳]

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: عید در لغت از ماده عود به معنای بازگشت است. لذا به روزهایی که مشکلات از قوم و جمعیتی بر طرف می‌شود و بازگشت به پیروزی‌ها و راحتی‌های نخستین می‌کند، عید گفته می‌شود. در اعیاد اسلامی به

مناسب این که در پرتو اطاعت يك ماه مبارك رمضان و یا انجام فریضه بزرگ حج، صفا و پاکی فطری نخستین به روح و جان باز می‌گردد، و آلودگی‌ها که بر خلاف فطرت است، از میان می‌رود، عید گفته شده است. و از آن جا که روز نزول مائده، روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا بوده است، حضرت مسیح (ع) آن را عید نامیده است. همان طور که در روایات آمده است، نزول مائده در روز یکشنبه بود و شاید یکی از علل احترام روز یکشنبه در نظر مسیحیان نیز همین بوده باشد. در روایتی که از حضرت علی (ع) نقل شده است: "و کل یوم لا یعصي الله فیه فهو یوم عید"؛ هر روز که در آن معصیت خدا نشود روز عید است، نیز اشاره به همین موضوع است؛ زیرا روز ترک گناه، روز پیروزی و پاکی و بازگشت به فطرت نخستین است. [۴]

از سوی بن غفله نقل شده است که گفت: در روز عید بر امیر المؤمنین علی (ع) وارد شدم، دیدم که نزد او نان گندم و خطیفه [۵] و ملبنه [۶] است. پس به آن حضرت عرض کردم روز عید و خطیفه؟ آن حضرت فرمود: "انما هذا عید من غفرله"؛ این عید کسی است که آمرزیده شده است. [۷] در روایات اسلامی برای اعیاد به ویژه اعیاد مذهبی؛ از جمله عید فطر، عید غدیر و... آداب و رسوم خاصی؛ نظیر پوشیدن لباس نو، اطعام، صلح ارحام و... توصیه شده است که برای آگاهی بیشتر در این باره به آدرس زیر مراجعه کنید. [۸] بنابراین، روز عید غدیر از آن تاریخ تا به امروز به عنوان یکی از اعیاد بزرگ اسلامی تعیین شده و شیعیان به خصوص، این روز را گرامی می‌دارند و آداب آن را به جای می‌آورند و به همدیگر تبریک می‌گویند.

گفتنی است که شیخین (ابوبکر و عمر) در روز غدیر در پیشاپیش صحابه جزو اولین کسانی بودند که منصب امامت را با گفتن: "بخ یابن ابی طالب اصبحت و امسیت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنة"، [۹] به امیرمؤمنان (ع) تبریک و تهنیت گفتند.

پی نوشتها:

[۱] لغت نامه دهخدا، واژه عید.

[۲] ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ههه.

[۳] مائده، ههه.

[۴] مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۳۱، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۱.

[۵] خوراکی از آرد و شیر.

[۶] غذا یا حلوايي که با شیر تهیه می‌شود.

[۷] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج هه، ص ۳۲۶، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

[۸] حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۸۹، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۰، "بَابُ اسْتِحْبَابِ صَوْمِ يَوْمِ الْغَدِيرِ وَ هُوَ الثَّمَانِ عَشْرَ ذِي الْحِجَّةِ وَ اتِّخَاذِهِ عِيدًا وَ كَثْرَةَ الْعِبَادَةِ فِيهِ وَ حُصُوصًا الْإِطْعَامَ وَ الصَّدَقَةَ وَ الصَّلَاةَ وَ لُبْسَ الْجَدِيدِ".

[۹] خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰؛ ابن مغزلی شافعی، ابوالحسن، مناقب، ص ۱۹.